

شب پنجم محرم ۹۲. متن مستند مقتل و اشعار هیئت میثاق با شهدا

مقتل عبدالله بن حسن

مشیر الأحزان ابن نما حلی: ص ۷۳، روضة الواعظین ابن فتنال نیشابوری: ص ۲۰۸.

وَ قَدْ ضَعُفَ عَنِ الْقِتَالِ فَقَالَ عِ بِسْمِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ إِلَهِي تَعَلَّمُ أَنَّهُمْ يَقْتُلُونَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ. ثُمَّ ضَعُفَ مِنْ كَثْرَةِ انْبِعَاثِ الدَّمِ فَلَبِثُوا قَلِيلًا ثُمَّ كَرُّوا عَلَيْهِ. فَخَرَجَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ وَ هُوَ غُلَامٌ لَمْ يُرَاهِقْ مِنْ عِنْدِ النَّسَاءِ يَشْتَدُّ حَتَّى وَفَّ إِلَى جَنْبِ الْحُسَيْنِ عِ فَلَحِقَتْهُ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عِ لِتَحْبِسَهُ فَأَمْتَنَعَ امْتِنَاعًا شَدِيدًا وَ قَالَ لَا أَفَارِقُ عَمِّي فَأَهْوَى بِحُرِّ بْنِ كَعْبٍ إِلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ لَهُ الْغُلَامُ وَيْلَكَ يَا ابْنَ الْخَبِيثَةِ أَ تَقْتُلُ عَمِّي فَضْرَبَهُ بِالسَّيْفِ فَاتَّقَاهَا بِيَدِهِ فَبَقِيَتْ عَلَى الْجِلْدِ مُعَلَّقَةً فَنَادَى يَا عَمَاءُ فَأَخَذَهُ وَ ضَمَّهُ إِلَيْهِ وَ قَالَ يَا ابْنَ أَخِي اصْبِرْ عَلَى مَا نَزَلَ بِكَ وَ احْتَسِبْ فِي ذَلِكَ الْخَيْرَ فَإِنَّ اللَّهَ يُلْحِقُكَ بِأَبَائِكَ الصَّالِحِينَ. فَرَمَاهُ حَرَمَلَةً فَذَبَحَهُ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عِ اللَّهُمَّ إِنْ مَتَّعْتَهُمْ إِلَى حِينٍ فَفَرِّقْهُمْ فَرَقًا وَ اجْعَلْهُمْ طَرَائِقَ قِدَادًا وَ لَا تَرْضَ عَنْهُمْ أَبَدًا

ترجمه: سالار شایستگان دیگر توان ایستادن نداشت که از جنگ باز ایستاد..... ندای امام حسین علیه السلام به آسمان برخاست و سر به جانب آسمان بلند کرد و نیایشگرانه گفت: خدایا، تو خود می‌دانی که اینان فرزندان دخت فرزانه پیامبرشان را می‌کشند.... آن تبهکاران سنگدل اندکی درنگ کردند و دگر باره بر آن آموزگار والایها هجوم بردند. در همان لحظاتی که حسین علیه السلام بر شهادتگاه، خود با لب تشنه و غرق در خون در انتظار شهادت بود، یادگار ارجمند برادرش، «عبدالله»، فرزند امام حسن که کودکی هوشمند بود، از سرپرده بانوان بیرون آمد و شتابان خود را به عموی گرانمایه‌اش حسین علیه السلام رسانید تا عمو را یاری کند.

عمه‌اش «زینب» خود را به او رساند تا وی را به خیمه‌ها بازگرداند، اما او پایداری کرد و بازنگشت و فریاد بر آورد که: «لا افارق عمی!» به خدای سوگند از عمویم جدا نخواهم شد و او را تنها نخواهم گذاشت! در این هنگام یکی از تجاوزکاران اموی بنام «بحر بن کعب» به سوی حسین علیه السلام روی آورد، که «عبدالله» فریاد بر آورد: هان ای پلید زاده! آیا می‌خواهی عمویم را به شهادت برسانی؟ آن عنصر پلید نیز شمشیری بر آن کودک فرود آورد و عبد الله دست خود را سپر ساخت که دستش از بدن جدا شد! او در حالی که دستش تنها به پوست آویزان بود، فریاد بر آورد که: عمو جان مرا دریاب! حسین علیه السلام او را در آغوش کشید و بر سینه چسباند و فرمود: یادگار برادرم! بر آنچه در راه خدا بر تو فرود آمده است شکیبایی پیشه ساز و آن را به فال نیک بگیر و خیر بدان که خدای پر مهر به زودی تو را بر پدران و نیاکان شایسته کردارت ملحق خواهد ساخت. و آن گاه «حرمه» گلوی آن کودک محبوب را هدف تیر بیداد خود ساخت و سرش را از پیکرش جدا کرد! حسین علیه السلام پس از شهادت جانسوز نور چشم برادرش، «عبدالله» در آغوشش، رو به آسمان کرد و

گفت: بار خدایا، اگر این بندگان ستمکار و گناه پیشه‌ات را تاکنون از نعمت‌هایت بهره‌ور ساخته‌ای، اینک آنان را
تار و مار و مایه عبرت دیگران قرار ده و هرگز از آنان خشنود مباش.

غزل مرثیه:

شاعر: میلاد عرفان پور

مرا بخوان که به عشق تو تشنه‌تر باشم
بخوان که مثل خیام تو شعله‌ور باشم
من از دیار حبیبیم نه از بلاد غریب
مرا بخوان نفسی با تو همسفر باشم
قسم به روضه دیوار و در که تا هستم
به یاد کرب و بلای تو دربه در باشم
به ماتم حسن بن علی گرفتارم
مقدر است که همواره خون جگر باشم
قسم به غربت مسلم غریب خواهم مرد
اگر ز غربتت ای یار باخبر باشم
بیار باده اهلی من العسل مولا
که در کنار تو از مرگ برحضر باشم
دل‌م شده است به تیر سه شعبه زخمی تا
به یاد اصغر شش ماهه نوحه‌گر باشم
غبار راه سعیدم مرا بخوان ای یار
مرا بخوان که نماز تو را سپر باشم
به شعله بسته عدو بارگاه زینب را
مرا مباد که یک آه بی اثر باشم

نکته: مقصود از سعید در مصرع: "غبار راه سعیدم مرا بخوان ای یار" سعید بن عبدالله حنفی از شهدای کربلاست
که در روز عاشورا مقابل امام علیه السلام ایستاد تا آن حضرت نماز را اقامه نماید و بر اثر اصابت تیرها به
شهادت رسید.

واحد:

شاعر: میلاد عرفان پور

مرا می شناسی بقیعم / منم قبله گاه غریبان
مرا می شناسی بقیعم / که با اشک و آهم چراغان
چه شبها که بی روضه مردم / در آغوش من گریه کردند
به صادق به باقر به سجاد / به یاد حسن گریه کردند
غم غربت من / رسیده به افلاک
که ارکان ارض است / در این تربت پاک
(واویلا، واغربتا)

بقیعم که پر کرده عمری / غم فاطمه خلوتم را
زینهانی قبر زهرا / بخوان قصه غربتم را
گهی بر مزار امامان / گهی نزد ام البنینم
من آن تربت ساده هستم / که با عرشیان همنشینم
شده زائر من / هزاران کبوتر
شده همدم من / مزار پیمبر
(واویلا، واغربتا)

پر از ماتم فاطمیه / پر از داغ پیغمبرم من
پر از روضه های نخوانده / پر از غربت حیدرم من
پریشانم از منع گریه / پریشانم از منع ماتم
به سر آید این عصر عسرت / بنا بر روایات محکم
دل من گرفته / خدایا خدایا
از این عمروعاصان / از این بولهبها
(واویلا، واغربتا)

واحد:

شاعر: میلاد عرفان پور

زاده ی زهرا اباعبدالله

قبله ی دل ها اباعبدالله

دنیا و عقبا اباعبدالله

من کی ام؟ خاک پایت حسین جان

من که هستم؟ گدایت حسین جان

جان من قابلیت را ندارد

جان عالم فدایت حسین جان!

گرچه دور از تو گم کرده ام راه

روضه خواندم تو را هر سحرگاه

مثل هر صفحه ی مقتل تو

خیسم از اشک و می سوزم از آه

زاده ی زهرا اباعبدالله

قبله ی دل ها اباعبدالله

دنیا و عقبا اباعبدالله

عبدم و عبد نعم الامیرم

از تولای تو ناگزیرم

وای اگر بی غمت زنده مانم

کربلا را نبینم بمیرم

جز هوای تو در سر ندارم

بی غم تو نفس برنیارم

تا وفاداری ام را ببینی

جان خود را به تو می سپارم

زاده ی زهرا اباعبدالله

قبله ی دل ها اباعبدالله

دنیا و عقبا اباعبدالله

مثل حرت به من اعتنا کن

با شهیدان مرا آشنا کن

جان زهرا برای شهادت

یک سحرگه مرا هم دعا کن

هر که بایاد تو زندگی کرد

عاقبت نذر راه ولی شد

درس مردی گرفت از ابالفضل

تا علمدار سیدعلی شد

زاده ی زهرا اباعبدالله

قبله ی دل ها اباعبدالله

دنیا و عقبا اباعبداللہ

نجوا با امام زمان (عج)

دلگیرم از زمانه بیا مهربان من
بر لب رسیده از غم ایام جان من
دنیا مرا به بند اسارت کشیده است
رنگ قفس شده همه ی آسمان من
عمرم به سر شد و نشدم آنچه خواستی
باران شرم می چکد از دیدگان من
عشاق را به رنج و بلا آزموده اند
ای وای اگر «فراق» بود امتحان من
دستی بگیر تا نرود نوکری ز دست
هجرات تو ببین که بریده امان من
شبگرد فاطمه، شب جمعه برای تو
شب های چارشنبه ی هفته از آن من
«یک شب به خاطر سفر کربلای تو
یک شب به خاطر سفر جمکران من»
با خود ببر مرا سحر جمعه کربلا
تا تلّ زینبیه شوی روضه خوان من
با یک نگه برای دلم فتح باب کن
گردم فدائی تو، امام زمان من

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.